اکبر صحرایی در گفت‌وگو با «جوان» از نگارش کتابی درباره زندگی شهید عبدالله اسکندری می‌گوید

شهید اسکندری برای جوانان و مدیران الگویی به روز است

احمد محمدتبریزی

شهید عبدالله اسکندری یکی از شخصیت‌های ممتاز و ویژه تاریخ دفاع مقدس و دفاع از حرم است. ایشان به دلیل حضوری مستمر در جبهه‌های جنگ کوله‌باری از خاطرات را به دوش می‌کشید و شهادت مظلومانه‌اش در سوریه ما را متوجه ابعاد شخصیتی ایشان کرد. اکبر صحرایی که سابقه همرزم بودن و رفاقت با شهید اسکندری را دارد، کتابی با محوریت زندگی ایشان در حال نگارش دارد که اطلاعات خوبی از شهید و تاریخ دفاع مقدس به مخاطب می‌دهد. با صحرایی درباره اثر جدیدش و ویژگی‌های شخصیتی شهید اسکندری گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

شهید عبدالله اسکندری در کنار امیر پوردستان

نگارش کتابی درباره زندگی شهید عبدالله اسکندری در چه مرحله‌ای است و چه دلیلی باعث شد به سراغ نوشتن زندگی شهید اسکندری بروید؟

اگر اشتباه نکنم دو سال و نیم قبل من به نشر شاهد پیشنهاد نوشتن این کتاب را دادم. شهید اسکندری از رفقایم بود و در زمان جنگ و پس از جنگ با ایشان آشنایی داشتم. در عملیات‌هایی با هم بودیم و پس از جنگ که مدیر بنیاد شهید استان فارس شد ارتباطمان حفظ شد. در حوزه ادبیات هم جلساتی با ایشان داشتیم. من جزو شورای ادبیات بنیاد شهید استان فارس بودم و شهید اسکندری هم رئیس بنیاد بود و در بعضی جلسات نقد ما حاضر می‌شد. کتاب «شمشاد و آرزوی چهارم» که منتشر شد، ایشان به جلسه نقد کتابم آمد و با هم صحبت کردیم. خودشان هم دست به قلم بودند و خاطراتشان را در دفترچه‌ای می‌نوشتند و هنوز هم موجود است. با توجه به این موارد پیشنهاد نگارش این کتاب را دادم و طرح را که به تهران فرستادند، سریع تصویب شد.

مهم‌ترین تصویری که می‌خواستید از شهید نشان بدهید که شما را وادار به نوشتن کتاب کرد چه بود؟

فکر می‌کنم همان نگاه انسانی و مسلمان بودن است. الان این نگاه خدشه‌دار شده که بچه مسلمان کیست. با بعضی اتفاقات مثل سوءاستفاده‌های مالی این سال‌ها و وجود داعش این وجهه خراب شده است. اینکه یک بچه فقیر در عین مستضعف بودن با توکلش به خدا و دین، مسلمان و انسانی شریف می‌شود الگوی مناسبی برای معرفی است. مردمی بودن شهید اسکندری خیلی برایم مهم بود. کسی که خودش را وقف خدمت به مردمش کرده بود. فکر کنم شهید اسکندری می‌تواند الگو و معیار مناسبی برای جوانانی باشد که حتی خیلی مذهبی نیستند.

نقطه عطف کتاب شهادت و بریدن سر شهید اسکندری است؟

۸۰ درصد کار تمام است ولی من هنوز وارد سوریه نشده‌ام. بخش دفاع مقدس کتاب آنقدر پتانسیل دارد که می‌توانم بگویم کتاب به نوعی تاریخ جنگ هشت ساله‌مان نیز هست. حضرت آقا می‌فرمایند جنگ ما گنج است و اسکندری یکی از این گنجینه‌هاست. نقطه اتکای کتاب دوران دفاع مقدس است که در امتدادش مدافعان حرم حضور پیدا می‌کنند.

با توجه به شناختی که از شهید اسکندری داشتید و مصاحبه‌هایی که برای کتاب انجام دادید، ایشان را چطور انسانی دیدید؟

ما در اسلام چیزی به نام «الگو» و «اسوه» داریم که غربی‌ها به آن افسانه و قهرمان می‌گویند و این شخصیت‌های الگو و اسوه را برای معرفی به جوانان نیاز داریم. شاید اگر بخواهیم از اهل‌بیت برای جوانان مثال بزنیم برایشان خیلی دست نیافتنی باشد. جوانان الگوهایی به روز می‌خواهند و فکر می‌کنم شهیداسکندری مثل مرتضی جاویدی شخصیتی باورپذیر و ملموس برای نسل امروز است. ایشان از بعد معنوی و بعد دنیوی نمونه است. در عین اینکه در اوج شهادت و ایثار است به زندگی و زن و فرزند هم اهمیت می‌دهد. بین همین مردم زندگی می‌کند و حتی ضعف‌ها و آزمون و خطاهایی را هم دارد ولی در مجموع شخصیت‌شان می‌تواند به یک اسوه تبدیل شود. شهید اسکندری با وجود اینکه یک بچه فقیر جنوب‌شهری بوده ولی در محرومیت خودش را نشان می‌دهد و به یک مدیر الگو تبدیل می‌شود. چه به عنوان یک سردار در جنگ و به عنوان یک مدیر خودش را نشان می‌دهد. ما الان در کشور بحث الگوسازی را هم برای مدیران و هم مردم عادی داریم. اگر در اقتصاد دچار مشکل می‌شویم و اعتمادمان خدشه‌دار می‌شود به این خاطر است که همه به سمت مادیات رفته‌اند. در دفاع مقدس برای فرمانده تنها چیزی که اهمیت نداشت، مادیات بود. خودش به خط می‌زد و این رفتار در روحیه نیروها هم تأثیر می‌گذاشت و فرمانده و نیرو را کنار هم قرار می‌داد. الان اگر توقع داریم مردم خوب زندگی کنند نخست مسئولان باید این کار را انجام دهند. فکر می‌کنم اسکندری نماد خوبی از سلامت در مدیریت، فرماندهی، زندگی خصوصی و مسائل اقتصادی است. شخصیت ایشان چند بعدی است. همچنین من سعی کردم به زندگی خصوصی شهید هم بپردازم؛ موضوعی که کمتر در کتاب‌های دفاع مقدسی به آن پرداخته‌ایم و بیشتر جنبه‌های نظامی و عملیاتی مطرح شده است. در کتاب وارد زندگی شهید می‌شویم و از دیدگاه همسر و فرزندان زندگی شهید را روایت می‌کنیم. می‌بینیم این شهیدان شبیه خودمان هستند و می‌توان در دنیای امروز به الگو و اسوه تبدیل شد. به نظر در حوزه‌های اقتصادی شهید اسکندری می‌تواند یک الگوی خوب و کامل باشد. اینکه مدیری در اوج مسئولیت مثل زمان جنگ خاکی بماند و خودش را گم نکند، خیلی مهم است.

ما در قهرمان‌پروری و معرفی قهرمان‌هایمان ضعف داریم و نمی‌توانیم آنها را باورپذیر به مردم معرفی کنیم، برای حل این مشکل باید چه کار کنیم؟

ما به دلیل جلوگیری از خودتعریفی نخواستیم از خودمان بگوییم و نتوانستیم به خوبی از دیگران تعریف کنیم. متأسفانه همین باعث شد از الگوهایمان حرف نزنیم. ما نمی‌توانیم شخصیت‌هایی مثل شهید اسکندری که تا دیروز کنارمان زندگی می‌کردند را به خوبی به جامعه تبیین و معرفی کنیم. ما پهلوانانمان را نشان ندادیم و پهلوانانی مثل اسکندری زیاد داریم و باید بتوانیم این شخصیت‌ها را به جامعه بشناسانیم و بهترین ابزارش ادبیات داستانی است. ما هر چه به این سمت برویم تأثیرش بیشتر است.

به نظر می‌رسد شخصیت‌های ایشان به لحاظ ویژگی‌های دراماتیک غنی بود و دستتان را برای پردازش بهتر باز گذاشته بود؟

معمولاً نوشتن از کسانی که زنده هستند یا

> یک نویسنده روشنفکر شخصیتی خیالی می‌سازد و دیگر به کسی پاسخگو نیست، اما نویسندگان این حوزه یکی از مشکلات اساسی‌شان این است که وقتی از یک شهید می‌نویسند ۱۰ متولی پیدا می‌شود و باید پاسخگو باشند

اطرافیانشان در قید حیاتند و متولی دارند خیلی سخت است. یک نویسنده روشنفکر شخصیتی خیالی می‌سازد و دیگر به کسی پاسخگو نیست، اما نویسندگان این حوزه یکی از مشکلات اساسی‌شان این است که وقتی از یک شهید می‌نویسند ۱۰ متولی پیدا می‌شود و باید پاسخگو باشند. من «عزیز جهان» را که می‌نوشتم سه سال درگیر بودم تا این کار چاپ شد، چون شخصیتی که زنده بود، امضا نمی‌داد و نمی‌توانستم کتاب را به ناشر بدهم.

برای همکاری با نشر شاهد دلیل خاصی داشتید؟

شهید اسکندری رئیس بنیاد شهید بود و من هم در بنیاد کار می‌کردم و در جلسات ادبی‌شان حضور داشتم و از من توقع داشتند. دلیل اصلی این همکاری عامل اخلاقی بود و به من گفتند که چون شما در بنیاد کار می‌کردید و با شهید رفاقت داشتید و هم ایشان رئیس بنیاد بوده، اولویت با ما هست. در نهایت کار قبول شد و من تحقیقات را شروع کردم. بیشتر از یک سال کارهای تحقیقاتی و مصاحبه با همسر شهید و دوستان زمان برد. همینطور که در حال انجام کار بودم کتابی به نام «سرِ سَر» از سوی روایت فتح منتشر شد که کار را برای ما سخت کرد. این کتاب که با محوریت زندگی شهید اسکندری انتشار یافته شامل گفت‌وگو با همسر شهید است و خیلی سریع به چاپ رسید. کتاب را که خواندم، متوجه شدم اثر بعدی درباره شهید سخت خواهد شد. این کتاب تمام برنامه‌های من را به هم ریخت. هدفم این بود روایتی داستانی کار شود ولی بعد دیدم راوی‌ام باید عوض شود. بعد از اعمال تغییرات، راوی کتابم خود شهید شد. مجبور به این تغییر شدم ولی الان می‌بینم این تغییرات خیلی به نتیجه نهایی کار کمک کرده است. شهید اسکندری هشت سال در جنگ حضور داشته، در عملیات‌های زیادی شرکت کرده و ۱۵ بار مجروح شده و حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. راوی را شهید اسکندری انتخاب کردم و کار به سمت رمان رفت و در آخر نام کتاب را «مرد راه» گذاشتم.

به هر حال باید این نکته را در نظر گرفت که برخی انتشاراتی‌ها توزیع و تبلیغات خوبی برای بهتر و بیشتر دیده شدن کتاب دارند.

من تجربه کتاب «تپه جاویدی و راز اشلو» را پیش آقای عاکف داشتم که خوشبختانه تا الان به چاپ یازدهم رسیده است. حتماً نباید انتشار آثار را به چند انتشاراتی خاص محدود کرد. البته یکی از حسن‌های تأخیر نهایی شدن کتاب این بود که در این فاصله یک گردان از استان فارس به سوریه و حماه و همان منطقه‌ای که سر شهید اسکندری را جدا کرده بودند، می‌رود و برمی‌گردد. من با اعضای این گردان ۳۰ ساعت مصاحبه کردم و به فضاسازی خوبی از منطقه رسیدم. پیش از این، برای ترسیم فضای منطقه نمی‌دانستم چه کار کنم. شهید اسکندری سه روز بیشتر در سوریه نمانده بود که شهید می‌شود. فضای آنجا خیلی برایم مبهم بود و این صحبت‌ها مرا به یک فضای خوبی از آنجا رساند. تجربه کار حرفه‌ای‌ام در این سال‌ها نشان داده کار نباید در ارگان‌ها قفل شود. من تنها انتشار چاپ اول را به نشر شاهد داده‌ام و با این شرط به دنبال باز کردن این قفل هستم.

چه نکاتی سبب شد کتاب شکل و فرمی نزدیک به رمان پیدا کند؟

کار وقتی رمان شد که به محله قصردشت شیراز و اتفاقات خاص خودش و شغلی که شهید از بچگی داشت، پرداختم. عبدالله اسکندری از بچگی در شیرینی‌فروشی کار می‌کرد و به مرور زمان خودش تبدیل به یک استاد قنادی می‌شود. حتی تا روزهای آخر هم این کار را ادامه می‌داد و اگر فرصتی پیدا می‌کرد کیک‌های خانگی خوشمزه و معرکه‌ای درست می‌کرد. حدود ۵۰۰ صفحه از کتاب آماده شده و امیدوارم امسال کار جمع شود. آن کتاب هم که بیرون آمد کار مرا به تأخیر انداخت و باعث شد من زاویه دید و فرم را عوض کنم. روایت را از حالت خطی خارج کردم و روایت دیگر تقویمی و پشت سر هم نیست. جوری هست که از حال شروع می‌شود و فلش‌بک و فلش‌فورواردهای متعددی می‌خورد. فکر می‌کنم بعد از تجربه «حافظ هفت»، «پرونده ۳۱۲» و «آواز، بچه، آتش» اثر از نظر فرم ادبی قابل تعمق باشد. به هر حال نویسنده حرفه‌ای باید کار بعدی‌اش از کار قبلی‌اش بهتر باشد در غیر این صورت مرگ نویسنده فرا رسیده است.

شما نسبت به توجه صرف به خاطره‌نگاری گلایه داشتید و الان خودتان وارد این حوزه شده‌اید. استفاده از تکنیک‌های ادبی باید توسط نویسندگان داستان‌نویس رو شود و موج دوم خاطره‌نگاری از این طریق شکل بگیرد؟

گلایه من از این بابت بود که در حال نویسنده‌سازی هستیم ولی برخی انتشاراتی‌ها می‌خواهند خیلی زود کاری انجام دهند که شاید در آینده ماندگار نباشد. این کارها چون مستند است و می‌توان پیاده کرد و دستی رویش کشید، نسبتاً آسان است. بنابراین خیلی‌ها وارد این حوزه می‌شوند و متأسفانه ناشر و متولی خیلی متوجه ابعاد کار نمی‌شود. اینجا نویسنده حرفه‌ای فراموش می‌شود. نویسنده را جایی می‌توان دید که تکنیک و ادبیات و عناصر داستانی می‌آید. اگر اینها نباشد آثار متعدد خاطره‌نگاری شبیه به هم می‌شود. ضمن اینکه فرم می‌تواند ویترین خوبی برای عرضه محتوا باشد. من چون تجربه «حافظ هفت» و «پرونده ۳۱۲» را داشتم مستندات را می‌گرفتم و خروجی‌اش رمان می‌شد. این تجربه کمک کرد و به دلیل تعهدی هم که به شهید داشتم نمی‌خواستم این کتاب شبیه کارهای قبلی‌ام باشد و خیلی وقت گذاشتم تا کار پخته شود.

گفت‌وگو

نگاهی به کتاب «مجاهدت‌های خاموش» در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده آن

مریوان سرزمین ناگفته‌ها و شهدای مظلوم است

علیرضا محمدی

کتاب «مجاهدت‌های خاموش» زندگینامه و خاطرات ۳۳۰ شهید پیشمرگ کرد مسلمان شهرستان مریوان را روایت می‌کند. کتابی ۷۶۰ صفحه‌ای به قلم رضا رستمی که سال ۱۳۹۶ در هفته دفاع مقدس منتشر شد. رستمی که سال‌هاست برای شناساندن شهدای خطه کردستان تلاش می‌کند، صاحب چند عنوان تألیفات دیگری نیز است که گفت‌وگوی ما با او را پیش رو دارید.

اهل کجا هستید و با چه انگیزه‌ای برای شناساندن شهدای کردستان دست به قلم شدید؟

من متولد شهرستان پاوه هستم و اکنون در مریوان زندگی می‌کنم. هنوز کودک بودم که جنگ شروع شد و همه ما درگیر تجاوز دشمن و ضد انقلاب شدیم. ما مردم مرزنشین کوچک و بزرگمان از نزدیک شاهد ویرانی‌های جنگ بودیم. جوانانمان در خط مقدم می‌جنگیدند و زنان و کودکان و سالخوردگان هم به اندازه خودشان در دفاع مقدس سهم داشتند. دو تن از عموهایم به نام‌های غلامرضا و حمیدرضا رستمی از شهدای جنگ تحمیلی هستند، بنابراین از همان کودکی با ارزش‌های دفاع مقدس آشنا بودم و بزرگ‌تر که شدم دوست داشتم شهدای مظلوم این خطه را از گمنامی و مظلومیت خارج کنم.

در کتاب مجاهدت‌های خاموش به ۳۳۰ شهید اشاره شده است، مریوان همین تعداد شهید را دارد؟

آمار شهدای مریوان بسیار بیشتر از این تعداد است. ۳۳۰ نفر فقط عدد شهدای پیشمرگ است. این شهر مرزی در کل ۱۰۴۱ شهید داده است که به نسبت جمعیتش آمار قابل توجهی به شمار می‌رود. از این تعداد ۳۳۰ نفر پیشمرگ هستند. ۳۲۵ نفر هم در بمباران‌ها به شهادت رسیده‌اند. ۵۵ نفر شهدای شیمیایی هستند و باقی هم از شهدای مردمی در حوادث مختلف هستند.

چرا میان شهدای مریوان در کتابتان به شهدای پیشمرگ توجه نشان دادید؟

در سال ۱۳۸۸ و در جریان سفر پر خیر و برکت مقام معظم رهبری به کردستان، با دستنوشته ایشان درباره سازمان پیشمرگان مسلمان و شهدای این سازمان مواجه شدم. این پیام چراغ راهی بود برای بنده تا به عنوان خادم و خدمتگزار شهدای انقلاب اسلامی، به کار جمع‌آوری اطلاعات و تدوین کتاب و همچنین مستندسازی درباره شهدای گرانقدر شهرستان مریوان و سروآباد بپردازم.

پس در مورد شهدای سروآباد هم کتابی نوشته‌اید؟

بله، نام آن کتاب «راسخون جهاد و شهادت» است. زندگینامه ۱۱۷ نفر از شهدای پیشمرگ مسلمان کرد از سپاه شهرستان سروآباد که در ۳۳۰ صفحه نوشته شده است. همچنین ۶هزار عکس مربوط به دفاع مقدس را جمع‌آوری کرده‌ام که ان‌شاءالله در آینده‌ای نزدیک تبدیل به کتاب خواهد شد.

باید بپذیریم اگر شهدای کردستان کمتر شناخته‌شده هستند، یک بخش آن مربوط به کم‌کاری در خود استان شما می‌شود. نظر شما چیست؟

یک دلیلش می‌تواند همین باشد. سال‌هاست که خاطرات و تصاویر شهدای انقلاب اسلامی در کردستان خاک می‌خورد و بسیاری از این مستندات در حال از بین رفتن هستند. وظیفه نویسندگان و قلم به دستان این است که با ورود به این حوزه مانع از بین رفتن این بخش از واقعیات تاریخی کشورمان شوند. البته سازمان‌های متولی هم باید کمک حال نویسنده باشند. نویسندگی در حوزه دفاع مقدس و شهدای انقلاب اسلامی یک اقدام فرهنگی باارزش است، اما نیازمند حمایت مالی مسئولان و سازمان‌های متولی از نویسندگان و اصحاب اهل قلم در این حوزه هستیم. گاهی برای پیدا کردن یک تصویر یا ضبط یک خاطره علاوه بر صرف وقت زیاد، هزینه زیادی نیز صرف می‌شود تا آن تصویر و خاطره بدون هیچ گونه کم و کاستی ثبت و ضبط شود. البته در میان سازمان‌های متولی، می‌توانم به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه بیت‌المقدس اشاره کنم که همکاری زیادی با بنده و سایر فعالان فرهنگی منطقه دارند.

> سال‌هاست که خاطرات و تصاویر شهدای انقلاب اسلامی در کردستان خاک می‌خورد و بسیاری از این مستندات در حال از بین رفتن هستند. وظیفه نویسندگان و قلم به دستان این است که با ورود به این حوزه مانع از بین رفتن این بخش از واقعیات تاریخی کشورمان شوند

کاری هست که بخواهید در آینده انجام دهید؟

خیلی دوست دارم در مورد جاویدالاثر حاج احمد متوسلیان بنویسم. مردم مریوان هنوز که هنوزه این سردار بزرگ جبهه‌ها را از صمیم قلب دوست دارند. حاج احمد و همه شهدا و رزمندگان دفاع مقدس بر گردن ما حق دارند و وظیفه ما این است که مانع از فراموشی راه و نام این عزیزان شویم.

اگر موافق باشید در پایان یادی کنیم از شهدایی که در کتاب مجاهدت‌های خاموش به معرفی آنها پرداخته‌اید.

این شهدا از نام‌آورترین شهدای کردستان هستند. از میان آنها می‌توانم به شهید جلال بارنامه، شهید ملا مصطفی مردوخی، شهید ابراهیم مرادی، شهید عثمان فرشته، شهید کیکاوس پیری، شهید جلال بازیار، شهید لطیف راستی، شهید عبدالله طرطوسی، شهید حسن مدنی‌فرد و شهید مسعود نجاری اشاره کنم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۲۷۴

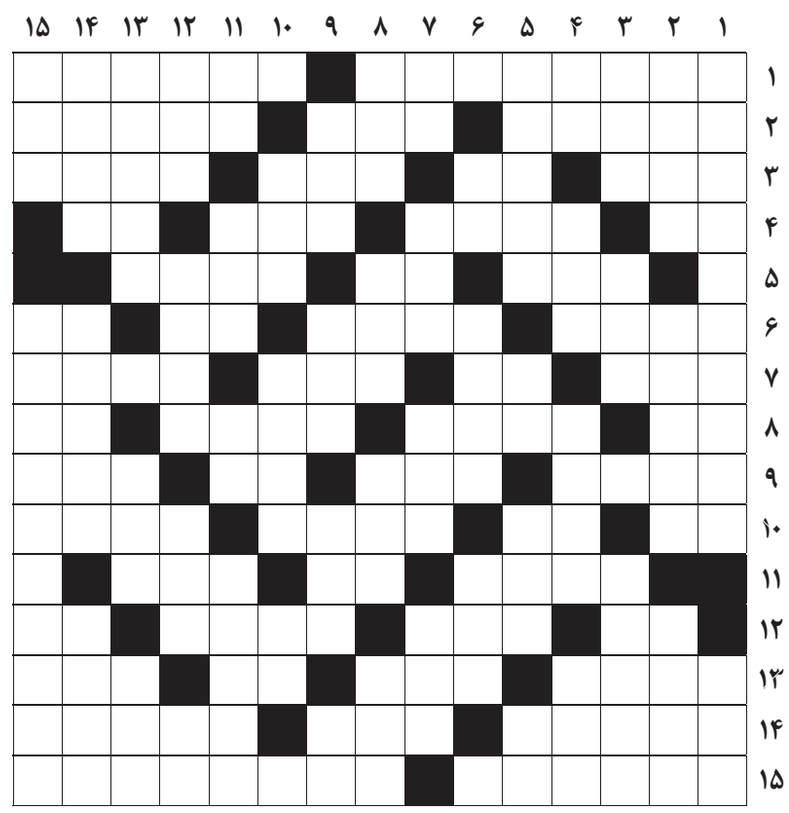

از راست به چپ

■ ۱ـ شاخه‌ای از علوم طبیعی که به مطالعه موجودات زنده می‌پردازد- عشوه کنان ■ ۲- مطابق مد و رسم حاضر- تزویر- مجموع پیشنهاداتی که دولت جهت تصویب به مجلس ارائه می‌دهد ■ ۳ـ نوعی پخت برنج- دریا- گوشت دندان- میوه دانه‌ای ■ ۴ـ راه کوتاه- پویا- گوسفند جنگی- زمینه ■ ۵- حشره‌ای ریز که آفت درخت است – خاموش فرنگی- کرمینه ■ ۶- ارابه- سوت- عدد چربی- علت و مرض ■ ۷ـ عیش- دژ شطرنج- پارچه پشمی مالیدنی- مجموع نقشه‌های جغرافیایی ■ ۸ـ تعجب زنانه- ذخیره برق در یک دستگاه- ترکیب نطفه‌های نر وماده- نوعی موسیقی ■ ۹ـ اضافه و زاپاس- از اشکال هندسی- پهلوان- از شهرهای مهم امارات ■ ۱۰ـ از ضمایر عربی- مقابل ذل- جدا کننده- ضرر رساندن به یکدیگر ■ ۱۱ـ رو و صورت- از ماه‌های سرد- درخت انگور ■ ۱۲ـ اجاق گاز- مخفف قاجار- از ادوات پلیس- حیوان نگهبان ■ ۱۳ـ کوتاه و دم بریده- بلندترین ضلع مثلث قائم‌الزاویه- حرف انتخاب- مسافرت دسته جمعی ■ ۱۴- روستا- از مشتقات نفت- نام قدیم کشورمان ■ ۱۵ـ دوختن ته کتاب یا جزوه‌ای- پژوهش یا رساله‌ای که درباره موضوع واحدی نوشته شده باشد

از بالا به پایین

■ ۱ـ گیاهی یک ساله با برگ‌های دانه‌دار که گل آن در صنایع داروسازی و عطرسازی کاربرد دارد- کدر ■ ۲ـ جامه بلند- رهایی و خلاصی- چاق ۳ـ از حروف انگلیسی- حیا- وسیله‌ای در قدیم برای کشیدن آب از چاه ■ ۴- تکیه بر پشتی- جوانمرد- پیروان و معتقدان به خلافت حضرت علی (ع)- شهرها ■ ۵- امانت- نشانه مفعولی- یار برق- فقدانش عامل بیماری گواتر است ■ ۶ـ من و تو- سنگ بزرگ و سخت- بدگویی ■ ۷- مساوی- دعوی زیاده‌ازحد- عمیق- بستن و دوختن ■ ۸ـ پیمانه- حمام معروف- از اقوام کهن ایرانی تبار- چرک و عفونت ■ ۹ـ نشانه- از ادوات فالگیری- محاسن- ضد پشت ■ ۱۰ـ سرسرا- باریک بین- او ■ ۱۱ـ فرمان اتومبیل- جام ورزشی- خاندان- رفت و آمد با شتاب ■ ۱۲ـ بانگ و صوت- بادها- زیان رساننده- نهر خون ■ ۱۳- تن‌پوش زنانه- حس و فهم- عتاب ■ ۱۴ـ روزها- فریبنده و جذاب- گوشت گیاهی ■ ۱۵- کشتن شتر- دوایر جادویی اقلیدس

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۵			۸	۶		
		۴				۱		۷
		۱			۲	۹		
	۱			۳				
۴	۵	۷						
						۷		۹
۶			۲					
						۲	۸	
			۱	۷				

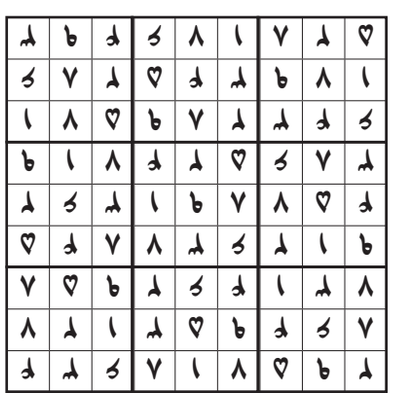

جدول کلمات متقاطع
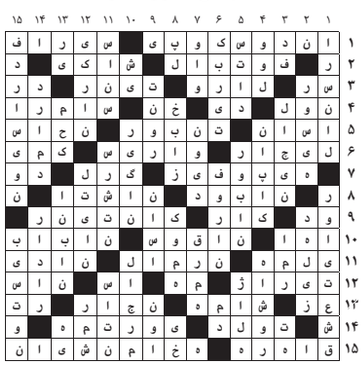
پاسخ جدول شماره ۵۲۷۳